

## بررسی و نقد برهان دنیل دنت در موافقت با سازگارگرایی

آرش خاکساری رنانی\*

(نویسنده مسئول)

میرسعید موسوی کریمی\*\*

### چکیده

هدف این نوشتار بررسی برهان اصلی دنیل دنت در توضیح و توجیه سازگاری پدیده‌های نفسانی و به طور مشخص، اراده آزاد انسان با دیدگاه طبیعت‌گرایی هستی‌شناسانه (فیزیکالیسم) است. مقاله با صورت‌بندی این برهان شروع می‌شود. سپس طبیعت‌گرایی و نظریه تحول به عنوان پیش‌زمینه اندیشه دنت شرح داده می‌شوند. دنت، با تفسیری خاص از جبر علی بر مبنای طراحی موجودات (در قالب نظریه تحول) در تلاش است مقدمات برهان خود را توضیح دهد و توجیه کند. تفسیر خاص وی مبتنی بر ایجاد تمایز بین دو مفهوم جبر (ضرورت) علی و اجتناب‌ناپذیری است. در بخش آخر مقاله، با بررسی و نقد دیدگاه دنت، نشان داده می‌شود که برهان او برای نشان دادن سازگاری بین اراده آزاد و جبر علی، رضایت‌بخش و کارآمد نیست و وی نتوانسته مشکل عمیق و کهن سازگاری اراده آزاد با جبر علی را حل کند.

**واژگان کلیدی:** دنت، فیزیکالیسم، اراده آزاد، جبر علی، سازگارگرایی، نظریه

تحول.

\*. کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه مفید، قم، ایران. Arash\_5493@yahoo.com

\*\* . دانشیار، دانشگاه مفید، قم، ایران. msmkarimi@mofidu.ac.ir

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۰؛ تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲]

### مقدمه

رابطه بین اراده آزاد<sup>۱</sup> انسان و جبر علی<sup>۲</sup>، از جمله مسائل کهن و دشوار فلسفی است. مقصود از اراده آزاد، توانایی و ظرفیت مشخص در انسان است. همه موجودات زنده، توانایی‌هایی دارند؛ مثل رشد، تولیدمثل و... اما آنچه انسان علاوه بر دیگر موجودات زنده دارا است، هوش (خرد یا عقل) و اراده آزاد است. با توجه به تمایز انسان از دیگر موجودات زنده، به نظر می‌رسد این توانایی به قوه عقل و تفکر و شناخت او مرتبط است. بعلاوه، اراده آزاد می‌تواند بر قوه‌های دیگر بشر تسلط و فرمان داشته باشد. برای مثال، اراده می‌تواند بر بدن برای حرکتی خاص تسلط داشته باشد، یا بر عقل به منظور توجه و دقت به موضوعی خاص فرمان دهد (Timpe, 2006: 5).

از طرف دیگر، بنا بر جبر علی، همه رویدادها در عالم، در یک زنجیره ضروری علی و معلولی قرار دارند.<sup>۳</sup> به بیان دیگر، هیچ رویدادی در عالم اتفاقی نیست و هر آنچه که در عالم رخ دهد بالضروره و اجتناب‌ناپذیر است. دو عامل اصلی در تعریف جبر علی وجود دارد: نخست، رویدادهایی که در گذشته رخ داده است؛ دوم، قوانین حاکم بر طبیعت. پیوند این دو عامل، باعث می‌شود الزاماً و ضرورتاً یک آینده از آینده‌های ممکن برای هر موقعیت وجود داشته باشد (Timpe, 2006: 7)؛ به بیان دیگر اگر جبر علی صادق باشد، هر واقعیتی بر اساس گذشته خود و بر اساس قوانین ثابت طبیعت، تنها یک آینده مشخص خواهد داشت. افعال انسان نیز همچون موقعیت‌هایی معین در زمان آینده هستند که بر اساس شرایط گذشته فرد و قوانین حاکم بر طبیعت معین می‌شوند. حال، سوال فلاسفه این است که آیا اراده (به عنوان یکی از پدیده‌های نفسانی انسان) که تحت این نظام علی است، در عین حال می‌تواند آزاد باشد؟ در پاسخ به این سوال، دو مکتب اصلی فلسفه لحاظ می‌شوند: ناسازگرای<sup>۴</sup> و سازگرای<sup>۵</sup>. ناسازگرایان معتقدند اراده آزاد و جبر علی سازگار نیستند. این فلاسفه به دو دسته تقسیم می‌شوند. اولین دسته طرفداران آزادی اراده<sup>۶</sup> هستند که جبر علی حاکم بر اراده و افعال فاعل انسانی را رد می‌کنند. بر اساس این نظریه، هنگامی که فاعل بر اساس اراده، باورها یا تمایلاتش<sup>۷</sup> فعلی را انجام می‌دهد، این اراده، باور یا میل فاعل تحت حاکمیت جبر علی پیشین نیست و فاعل، مختار کامل است.<sup>۸</sup> دومین دسته از ناسازگرایان، به نام جبرگرایان متعصب<sup>۹</sup>، معتقدند اراده آزاد با جبر علی ناسازگار است. چون آن‌ها جبر علی را صادق می‌دانند، ناگزیرند که اراده آزاد را انکار کنند. بر اساس این دیدگاه، همه رخدادها در مغز و ذهن آدمیان تحت نظام جبری علی و معلولی رخ می‌دهند.<sup>۱۰</sup> (Strawson, 2011: 2).

در مقابل، عده‌ای دیگر از فلاسفه<sup>۱۱</sup> معتقدند اراده آزاد و جبر علی سازگارند. برخی از سازگرایان بر این باورند که پدیده‌های نفسانی و حالات ذهنی نمی‌توانند از سنخ حالات فیزیکی مغز باشند. بنابراین، در این حالت باید چیزی علاوه بر بدن فیزیکی آدمی در او وجود داشته باشد. یک راه حل این است که نفسی<sup>۱۲</sup> با امکان تأثیر و تأثر با بدن وجود داشته باشد. با فرض صدق این سخن، هر انسانی از دو چیز کاملاً متفاوت ساخته شده است؛ یک ارگانیسم فیزیکی پیچیده و یک روح که کاملاً نفسانی و غیرمادی است. مدعیان این سخن دوگانه‌انگاران<sup>۱۳</sup> نامیده می‌شوند. دیدگاه‌های این سه دسته از فلاسفه مورد بحث و بررسی ما در این نوشتار نخواهند بود.

اما فیزیکیالیست‌های سازگارگرا، اولاً، بر این باورند که دستگاه فیزیکی پیچیده بدن و مغز برای توضیح حیات ذهنی انسان کافی است، هرچند جزئیات این مکانیسم پیچیده هنوز توسط علم کشف نشده است؛ به عبارت دیگر، این گروه از طبیعت‌گرایان<sup>۱۴</sup> معتقدند دانشمندان علوم تجربی، کشف کرده‌اند که نور چیست؟ گیاهان چگونه رشد می‌کنند؟ عضلات چگونه حرکت می‌کنند و... در نهایت، روزی دانشمندان، ماهیت زیست‌شناختی ذهن را نیز کشف خواهند کرد. از دید آنان هر رخدادی در این عالم، فیزیکی است و فرایند آن را می‌توان در روابط علت و معلولی فیزیکی توضیح داد. ثانیاً، از دیدگاه این گروه، اراده آزاد هم نوعی هویت فیزیکی است که قابل جمع با جبر علی است.

با توجه به این نکات، سوال اصلی مقاله این است: آیا می‌توان بر مبنای دیدگاه طبیعت‌گرایان فیزیکیالیست، توضیح و توجیه قابل قبولی برای سازگاری بین جبر علی و اراده آزاد آدمی ارائه داد؟ دنیل دنت<sup>۱۵</sup> از فلاسفه فیزیکیالیستی است که تلاش کرده چنین کاری انجام دهد. در این مقاله، برهان و راهکار وی را بررسی و نقد می‌کنیم.

مقاله حاضر با صورت‌بندی برهان دنت شروع می‌شود. شرح طبیعت‌گرایی و نظریه تحول به عنوان پیش‌زمینه اندیشه‌های دنت قسمت بعدی مقاله را تشکیل می‌دهند. سپس با تفسیر جبر علی بر مبنای طراحی موجودات (در قالب نظریه تحول)، تلاش دنت برای توضیح و توجیه مقدمات برهان را نشان می‌دهیم. در پایان مقاله نیز، به اختصار هرچه تمام‌تر، نقد یکی از فلاسفه معاصر به نام سام هریس<sup>۱۶</sup>، علیه مقدمه نخست برهان دنت بیان می‌شود. بعلاوه با بررسی و نقد مقدمات برهان و اشاره به ابهامات در معنای ضرورت علی، نشان داده می‌شود که راه حل دنت، رضایت‌بخش و کارآمد نیست.

## ۱. برهان دنیل دنت در موافقت با سازگارگرایی

دنت<sup>۱۷</sup> (2003) به منظور بیان دیدگاهش در موافقت با سازگارگرایی از مثال‌ها و مدل‌های متعددی استفاده می‌کند که باعث می‌شود اصل مشکل (هدف اصلی) تا حدودی پنهان شود. اما می‌توان آنچه را که از دیدگاه وی به صورت منسجم و در قالب استدلال برداشت می‌شود، به شرح زیر صورت‌بندی کرد: بنا بر فیزیکیالیسم، همه افعال و افکار ما (انسان‌ها)، آگاهانه یا ناآگاهانه، یا فیزیکی یا مبتنی بر امر فیزیکی<sup>۱۸</sup> یعنی در نهایت، محصول مغز هستند.

اراده آزاد ما (انسان‌ها)، به عنوان یکی از مصادیق افعال و افکار ما، محصول مغز ما است. از طرف دیگر، هر آن چه محصول مغز ما است، مصداقی از آن چیزی است که به نوعی تحت اراده و اختیار (آزاد) ما است.

بنابراین، افعال و افکار ما محصول اراده آزاد ما هستند.

از طرف دیگر، رخدادهای مغزی ما (فیزیولوژی اعصاب ما) کاملاً تحت روابط علت و معلولی است.

پس افعال ارادی انسان تحت روابط (جبری) علی و معلولی هستند.

پس اراده آزاد ما تحت روابط (جبری) علی است.

پس اراده آزاد با علیت (جبر علی) سازگار است. برای توضیح و توجیه استدلال فوق از دیدگاه دنت، لازم است ابتدا و در ادامه، مبانی و پیش‌زمینه‌های فکری را که مبتنی بر آن‌ها استدلال فوق صورت‌بندی شده است، شرح دهیم. مهم‌ترین این پیش‌زمینه‌ها عبارتند از طبیعت‌گرایی فیزیکیالیستی<sup>۱۹</sup> و نظریه تحول داروین.

## ۲. طبیعت‌گرایی فیزیکیالیستی

یکی از مسائل قدیمی فلسفه این است که با فرض داشتن آگاهی و شعور، یا به عبارت دیگر توانایی شناخت، برای انسان، چه ربط و نسبتی میان مغز<sup>۲۰</sup> و آگاهی<sup>۲۱</sup> برقرار است؟ آیا ذهن آدمی چیزی جدای از مغز، یا همان مغز است؟ آیا افکار، احساسات، ادراک‌ها، دردها، آرزوها و ... اموری‌اند که علاوه بر فرایندهای فیزیکی مغز رخ می‌دهند؛ یعنی پدیده‌هایی هستند که با نام امور ذهنی<sup>۲۲</sup> شناخته می‌شوند، یا بخشی از فرایندهای فیزیکی مغز هستند؟

طبیعت‌گرایی فیزیکیالیستی دیدگاهی برای پاسخ به پرسش‌های فلسفی (از گونه پرسش‌های فوق) براساس باور به فیزیکی بودن موجودات و غالباً بر اساس روش‌های تجربی و ابزار علم است. یکی از علل پیدایش و رشد این روش در فلسفه معاصر، پیشرفت علوم طبیعی<sup>۲۳</sup> در عصر جدید است.

طبیعت‌گرایی از دو جنبه قابل بررسی است: الف) هستی‌شناسانه (متافیزیکیال) (ب) روش‌شناسانه.<sup>۲۵</sup> الف) بر مبنای طبیعت‌گرایی هستی‌شناسانه، در عالم، موجودات مافوق طبیعی<sup>۲۶</sup> وجود ندارند؛ به عبارت دیگر، عالم فقط شامل اشیا است که می‌توانند با علوم طبیعی مطالعه شوند، و همه موجودات در عالم در محدوده زمان و مکان فیزیکی قرار دارند.

ب) بر اساس طبیعت‌گرایی روش‌شناختی، برای بررسی، شناخت و جستجوی واقعیت تنها باید از روش‌های علمی استفاده کرد. همچنین برای توضیح هر رخداد باید علت‌هایی را مطرح کرد که در طبیعت حضور دارند، نه این که موجودات مافوق طبیعی علت آن باشند. اصل و اساس این دیدگاه همان تجربه‌گرایی<sup>۲۷</sup> است (Papineau, 2007: 3).

با توجه به مقدمه اول برهان دنت، عده‌ای از پیروان طبیعت‌گرایی هستی‌شناسانه نه تنها برای توضیح هویاتی مانند فکر، زبان، آگاهی، میل، اراده و نظایر آن‌ها از علوم طبیعی استفاده می‌کنند، بلکه مدعی هستند که ذهن و پدیده‌های ذهنی چیزی جز پدیده‌های طبیعی نیستند. به عبارت دیگر، اصل اساسی آن‌ها در مطالعه پدیده‌های ذهنی این است که به غیر از روش‌های تجربی و شناختی در علوم طبیعی، روش‌های دیگر<sup>۲۸</sup> منجر به خطا می‌شوند. زیرا وضعیت‌های التفاتی<sup>۲۹</sup> انسان مانند باور، میل، ترس و ...، همگی پدیده‌های روان-فیزیکی<sup>۳۰</sup> هستند (Papineau, 2007: 8).

درواقع، ادعای فیزیکیالیست‌ها که پیرو چنین دیدگاهی هستند، این است که هر چیزی که آثار فیزیکی دارد می‌بایست خود، موجودی فیزیکی و یا در نهایت مبتنی بر موجودی فیزیکی باشد. بر همین مبنای ذهن آدمی چیزی جدای از مغز نیست و حالاتی مانند افکار، احساسات، دردها، آرزوها، اراده و ... وابسته

به امور فیزیکی هستند و ذیل روابط علت و معلولی فیزیکی توضیح داده می‌شوند. این نکات همان مطالب بیان شده در مقدمات اول و دوم استدلال دنت است. از این رو است که دنت مدعی است هیچ ضرورتی ندارد آدمی برای داشتن اراده آزاد از دو جزء نفس و بدن تشکیل شده باشد. بنابراین، درست است که بسیاری از اندیشمندان در طول زمان همواره از این که بپذیرند اذهان ما، همان مغز ما است، پرهیز کرده‌اند. اما این نیز از دیدگاه فیزیکیالیست‌ها درست است که به گفته فیلسوف علم ایتالیایی، جیورلی<sup>۳۱</sup>: «ما یک نفس هستیم اما این نفس از تعداد زیادی ربات کوچک ساخته شده است» (Dennett, 2003: 1).

### ۳. نظریه تحول داروین

دنت به عنوان یکی از پیروان نظریه تحول<sup>۳۲</sup>، معتقد است که طبیعت طی میلیون‌ها سال دچار پیشرفت و تحول شده است و تمام موجودات زنده با همه تنوعی که دارند از نیاکانی مشترک پدید آمده‌اند. مطابق این نظریه، زمان آغاز حیات حدوداً به چهار میلیارد سال پیش می‌رسد. نیم میلیارد سال طول کشید تا اولین ساختارهای زنده شکل گرفت و در نهایت به ساختار امروزی متشکل از سلول‌های بسیار پیچیده، رسید.

بنا به این نظریه، انسان‌ها به عنوان جزئی از فرآیند تحول، موجوداتی تشکیل شده از میلیون‌ها سلول هستند که به طرزی شگفت‌انگیز و بدون هیچ هدایت‌کننده‌ای بیرونی، خود را مدیریت کرده و در مقابل هر موجود خارجی به دفاع از خود پرداخته و به صورت کاملاً هماهنگ در کنار یکدیگر به فعالیت می‌پردازند. در این مسیر، سلول‌های ضعیف از میان رفته و سلول‌هایی با کارایی بهتر جایگزین آن‌ها شده‌اند. این فعالیت‌ها با نظمی حداکثری در بدن رخ می‌دهند؛ نظمی که دنت آن را به نظمی فاشیستی<sup>۳۳</sup> تشبیه می‌کند (Dennett, 2003: 2).

بنا به ادعای وی، تفاوت‌ها در میان انسان‌ها، مثل تفاوت در شخصیت‌ها، تفاوت در زبان‌ها و... به دلیل تفاوت در کارکردهای همین مجموعه سلول‌ها یا ربات‌های جزئی در وجود انسان‌هاست که در طول زندگی رشد کرده و تجربه کسب می‌کنند. دنت از نظریه تحول داروین استفاده می‌کند تا تعریف اصلاح شده خود از جبر علی را ارائه دهد. اینک با توجه به پیش‌فرض‌های مذکور و به منظور توضیح و توجیه مقدمات استدلال دنت، در ادامه به تعریف وی از جبر علی می‌پردازیم.

### ۴. جبر علی از نگاه دنت<sup>۳۴</sup>

بنابر نگاهی سنتی، اگر جبر علی بر عالم حاکم باشد، تمامی تلاش‌ها و میل‌های بشر بر مبنای اراده آزاد وی، توهمی بیش نخواهد بود. در تفسیری خاص از عالم و هم‌چنین نظریه اتمی<sup>۳۵</sup> چنین فرض می‌شود که ارتباطات علی مابین اتم‌ها که متعین و جبری هستند، علت رخدادهای قابل رویت<sup>۳۶</sup> نیز هستند. در نتیجه، همه رخدادها جبری هستند و جایی برای اراده و انتخاب آزاد وجود ندارد. دنت برای آشکارسازی و

رفع ابهام از موضوع، ابتدا تعریف کوتاه و مفید ون اینویگن از جبرعلی را نقل می‌کند: «جبر علی نظریه‌ای است که می‌گوید برای هر لحظه قطعاً یک آینده ممکن فیزیکی وجود دارد.» (3: 1983, Inwagen, Van).

دنت سه اشتباه رایج پیرامون این مفهوم را بیان می‌کند: (۱) بسیاری از اندیشمندان فرض کرده‌اند که جبر علی منجر به اجتناب‌ناپذیری می‌شود. (۲) بسیاری فرض کرده‌اند که نبود جبرعلی ما را تبدیل به فاعل‌هایی آزاد خواهد کرد، و این که قابلیت انتخاب و آزادی‌های مختلف نمی‌تواند در یک عالم متعین محقق شود. (۳) بالاخره، این که در عالم جبری گزینه‌های واقعی برای انتخاب فرد به منظور انجام فعل آزادانه وجود ندارد و فرد تنها ملزم به انتخاب یک گزینه است (25: 2003, Dennett).

دنت تلاش می‌کند بر اساس دو اصل انتخاب طبیعی و نظریه تحول، و با تمسک به طراحی برخی از مدل‌ها و داده‌هایی در محیط‌های شبیه‌سازی شده<sup>۳۷</sup>، این سه مبنای به زعم خود اشتباه را کنار گذاشته و رویکرد دیگری در مورد جبر علی را توضیح دهد تا بر اساس آن بتواند در مقدمه پنجم و ششم برهان خود، رخدادهای مغزی انسان و به تبع آن افعال ارادی را از شرایط ضروری<sup>۳۸</sup> و جبری علی‌رهایی بخشد و در نهایت، سازگاری جبر علی با اراده آزاد را نشان دهد؛ به عبارت دیگر، او با تفسیری بدیع از جبرعلی و توضیح تفاوت آن با اجتناب‌ناپذیری<sup>۳۹</sup> سعی دارد ضرورت جبری در روابط علت و معلولی را کنار گذارد. در ادامه مهم‌ترین نکاتی را که وی برای توضیح و توجیه رویکرد خود برگزیده است، به اختصار توضیح می‌دهیم. در قالب این توضیحات نیز به بررسی و نقد تفسیر دنت از جبر علی خواهیم پرداخت.

## ۵. تمایز جبرعلی از اجتناب‌ناپذیری

مهم‌ترین موضوع طرح شده توسط دنت برای تفسیر جبر علی، توضیح تفاوت آن با مفهوم اجتناب‌ناپذیری است. وی برای توجیه این ادعا به نظریه تحول داروین روی می‌آورد؛ به عبارت دیگر، هدف دنت از طرح و بررسی نظریه تحول داروین تقویت این رویکرد است که نشان دهد می‌توان به جبر علی معتقد بود و در عین حال آن را معادل اجتناب‌ناپذیری در نظر نگرفت. به بیان دیگر، به زعم وی نظریه داروین می‌تواند راهی بگشاید که در آن می‌توان در عین پذیرش علیت، با انکار اجتناب‌ناپذیری افعال آدمیان، آن‌ها را موجوداتی مختار و آزاد به حساب آورد؛ یعنی، نشان داد که اراده آزاد با جبر علی سازگار است.

دنت تمایز میان دو مفهوم جبر علی و اجتناب‌ناپذیری را بر این مبنا توضیح می‌دهد که عالم جبری به‌گونه‌ای طراحی شده است که موجودات و ارگانیسم‌های زنده می‌توانند از آسیب‌دیدگی و زیان‌دیدن اجتناب کنند. بعلاوه، این اجتناب‌پذیری هیچ ناسازگاری با حاکمیت جبرعلی که بنا بر آن، همه رخدادهای هم‌چون حلقه‌های معین و مشخص یک زنجیره علی و معلولی هستند، ندارد؛ به عبارت دیگر، در عوالم جبری هر رویدادی اجتناب‌ناپذیر نیست، و جبر علی ما را ملزم به اجتناب‌ناپذیری نمی‌کند. برای توجیه این ادعا، دنت استدلالی به شرح زیر اقامه می‌کند (56: 2003, Dennett).

الف) در بعضی عوالم جبری، اجتناب‌کننده‌هایی وجود دارند که از آسیب و زیان، اجتناب و جلوگیری می‌کنند.

ب) بنابراین، در بعضی عوالم جبری، از بعضی چیزها اجتناب شده است.

ج) هر آنچه اجتناب شده، اجتناب‌پذیر است.

د) بنابراین، در بعضی عوالم جبری، همه چیز اجتناب‌ناپذیر نیست.

نتیجه) بنابراین، جبر علی مستلزم اجتناب‌ناپذیری نیست.

حال، دنت تعریف خودش از جبر علی را که با تعریف سنتی یکی است، بدین صورت بیان می‌کند: اگر جبر علی صادق باشد آنچه رخ می‌دهد خروجی‌هایی متعین<sup>۴۰</sup> هستند که نتیجه مجموعه کامل علت‌ها در هر لحظه هستند (Dennett, 2003: 57). اما وی مدعی است آنچه که از این تعریف به صورت زیر برداشت می‌شود، اشتباه است: اگر جبر علی صادق باشد هر آنچه رخ می‌دهد خروجی‌هایی اجتناب‌ناپذیرند که نتیجه مجموعه کامل علت‌ها در هر لحظه هستند. به عبارت دیگر، در تعریف جبر علی به جای اینکه از لفظ «متعین» استفاده شود، به اشتباه از لفظ «اجتناب‌ناپذیر» استفاده شده است.

از دیدگاه دنت، هنگامی که فعل یا رویدادی را غیرقابل اجتناب می‌دانیم، بدین معناست که این رویداد برای همه افراد (یا فاعل‌ها) در زمان مورد نظر و در همه مکان‌ها اجتناب‌ناپذیر است. اما این گزاره، اعم از صادق یا کاذب، به جبر علی وابسته نیست، بلکه به شرایط محیطی<sup>۴۱</sup> وابسته است (Dennett, 2003: 57). به عبارت دیگر، حتی اگر فعل یا رویدادی اجتناب‌ناپذیر باشد، علت آن شرایط محیطی است، نه این که جبر علی چنین اجتناب‌ناپذیری را ایجاد کرده باشد.

در توضیح خود از تفاوت گذاشتن بین جبر علی و اجتناب‌ناپذیری، همه توجه و تمرکز دنت بر طراحی این عالم، بر پایه دو اصل انتخاب طبیعی و جهش است.<sup>۴۲</sup> حال، طراحی عالم و موجودات چگونه است؟ دنت معتقد است ارگانیسم‌های زنده بر اساس طراحی شان و با جمع‌آوری اطلاعات از شرایط محیطی، واکنش‌هایی نسبت به اطرافشان نشان می‌دهند و از آسیب‌ها جلوگیری و اجتناب می‌کنند. بر طبق نظریه تحول، تقریباً چند میلیارد سال پیش، زندگی بر روی این سیاره توسط یک برنامه و طراحی خود-محافظتی<sup>۴۳</sup> و خود-زایشی<sup>۴۴</sup>، و بدون هیچ‌گونه معجزه‌ای و طی فرایندی آرام به نام انتخاب طبیعی به وجود آمده است؛ فرایندی که هنوز ادامه دارد. در طول این مسیر، جلوگیری و اجتناب از آسیب‌ها و خطرات نیز وجود داشته است.<sup>۴۵</sup> برای پرهیز از چنین خطراتی و یا رفع آن‌ها، گاهی اوقات با جهش ژنتیکی، موجودات سازگارتر با طبیعت ایجاد شده‌اند. در فرایند انتخاب طبیعی، مشکلات و تداخل‌های<sup>۴۶</sup> سیستم در طول زمان و بسیار آهسته، از بین رفته و حل می‌شوند. البته این بدین معنی نیست که یک خالق آگاه، حل مشکلات را بر عهده دارد، بلکه فرایند انتخاب طبیعی و جهش، مسیری خودکفا برای تغییر و تحول و توانایی ارگانیسم‌های زنده برای ادامه بقا هستند. نکته حائز اهمیت این است که بسیاری از ارگانیسم‌ها در مقابل مشکلات پیش‌رو با تغییراتی در خود برای مقابله و ادامه حیات مجهز می‌شوند. بنابراین، کل فرایند زنده ماندن ارگانیسم‌ها براساس تغییرات اتفاقی<sup>۴۷</sup> است که به صورت موفقیت‌آمیزی عمل کرده‌اند، نه اینکه تغییری خردمندانه صورت گرفته باشد. بدین ترتیب وجود یک فرمانروای عاقل و خردمند برای شناخت و حل مشکلات ارگانیسم‌ها نیاز نیست (Dennett, 2003: 52).

دنت مدعی است ما انسان‌ها نیز بدین صورت تعلیم یافته‌ایم که نسبت به آینده خود تأمل کنیم و از خود پرسیم که در آینده چه پیش می‌آید. البته امروزه برای دریافت اطلاعاتی دقیق از عالم بیرون از خود، در تنگنا و محدودیت هستیم. دنت این محدودیت‌ها را اجتناب‌ناپذیرها می‌نامد. اما فهرست این اجتناب‌ناپذیرها (محدودیت‌های اطلاعاتی) روز به روز با پیشرفت علم کوچکتر می‌شود؛ به عبارت دیگر، با افزایش شناخت و اطلاع از شرایط محیطی توسط علم، محدودیت‌های اطلاعاتی‌مان و در نتیجه، تعداد اجتناب‌ناپذیرها، کاهش می‌یابد.<sup>۴۸</sup>

تا این‌جا می‌توان دو ادعای اصلی دنت را به شرح زیر خلاصه کرد: نخست، جبرعلی و اجتناب‌ناپذیری هم‌معنا نیستند و جبرعلی، الزاماً (ضرورتاً) اجتناب‌ناپذیری را نتیجه نمی‌دهد. دوم، همه فرایندها، از جمله اجتناب‌شده‌ها (اجتناب‌پذیرها) تحت حاکمیت جبرعلی هستند. نتیجه این که دنت تلاش می‌کند در عین حفظ اصل علیت، این ادعا را که آینده، محتوم و غیرقابل اجتناب است، رد کند و آینده‌ای باز و گشوده در برابر آدمی قرار دهد تا اراده آزاد وی را توجیه کند. بنابراین، همان‌گونه که در مقدمات استدلال وی آمده است، رخدادهای مغزی تحت روابط علی قرار دارند، اما لازمه آن نفی اراده آزاد نیست.

## ۶. نقد سام هریس به برهان دنت

سام هریس به عنوان یکی از هواداران جبر علی، معتقد است با فرض سازگاری اراده آزاد و جبر علی نمی‌توان معنایی برای اراده آزاد یافت. هم‌چنین، وی مدعی است که گزاره‌های علمی قادر به توضیح اراده آزاد نیستند. از طرف دیگر، وی می‌پذیرد که اراده آزاد را در افکار و اعمالمان تجربه و احساس می‌کنیم. اما وی این احساس را ناشی از نوعی توهم می‌داند.<sup>۴۹</sup> (Harris, 2012: 81).

در واقع، انتقاد اصلی هریس متوجه بند نخست استدلال دنت است که بنا بر آن، همه افعال و افکارمان ناشی از مغز یا خود ما هستند، حتی اگر به علت‌های آن‌ها ناآگاه باشیم؛ به عبارت دیگر، هرآنچه مغز ما تصمیم بگیرد و انجام دهد، خواه آگاهانه یا ناآگاهانه، چیزی است که ما انجام داده و تصمیم گرفته‌ایم (Harris, 2012: 66). هریس مدعی است به چه دلیل آن‌چه در مغز می‌گذرد، چون فرآورده مغز یا خود ماست، پس معلول اراده آزاد ماست؟ به عبارت دیگر، بسیاری از فعل و انفعالات شیمیایی در مغز و بدن، بدون اطلاع و آگاهی، رخ می‌دهند و تصمیم، هیچ تأثیری در رخ دادن یا ندادن آن‌ها ندارد. پس آیا به راستی می‌توان آن‌ها را محصول تصمیم و اراده آزاد و آگاهانه در نظر گرفت؟ بعید است که پاسخ این پرسش‌ها مثبت باشد. اما اگر دنت هم‌چنان بر چنین چیزی باشد، در این صورت باید بپذیرد که مسئولیت اخلاقی، به عنوان مثال، فعل و انفعالات ویروس‌ها و میکروب‌ها در بدن من هم چون جزئی از بدن من است، با من است؛ ولو این که آن‌ها به‌طور ناآگاهانه به اراده من تعلق گرفته باشند.<sup>۵۰</sup> بنا بر آنچه ذکر شد، هریس مقدمه نخست استدلال و در پی آن، نتیجه برهان دنت را مبنی بر سازگاری اراده آزاد و جبر علی، رضایت‌بخش و قابل پذیرش نمی‌داند.



### ۷. نقد دیدگاه دنت در موضوع ضرورت علی

در نقد دیدگاه دنت ابتدا به نظر می‌رسد که اصل علیت<sup>۵۱</sup> و در پی آن ضرورت علی به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌ها و اصول اندیشه او به گونه‌ای واضح، تفسیر و معنا نشده است. اصل علیت که براساس آن، هر پدیده‌ای (معلولی) ناگزیر نیاز به علتی دارد، از دیرباز همواره ذهن آدمی را به خود مشغول داشته است. افلاطون با اعتقاد به این که هر حادثه‌ای به ضرورت باید در ارتباط با علتی پدید آید، به تحلیل انواع علت‌ها پرداخت. توجه به نقش ضرورت که افلاطون در بیان اصل علیت به کار می‌برد، از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا بعدها به عنوان رکن اصل علیت به شمار آمد. ارسطو و هم‌چنین فلاسفه رواقی نیز با اعتقاد به این که هیچ حادثه‌ای بدون علت محقق نمی‌شود، بر ضروری بودن رابطه علی تأکید داشتند (Hospers, 1997: 148).

در دوران معاصر مسئله ضرورت علی بار دیگر مورد بحث قرار گرفته است. برخی از فیلسوفان تحلیلی<sup>۵۲</sup> به پیروی از هیوم (Morris & Brown, 2014)، منکر ضرورت هستی‌شناسانه در عالم هستی‌اند و بر همین اساس ضرورت علی را نیز انکار می‌کنند.<sup>۵۳</sup> در واقع، برخی از فیلسوفان تحلیلی منکر عینی بودن<sup>۵۴</sup> ضرورت هستند و آن را مقوله‌ای معرفت‌شناختی<sup>۵۵</sup> می‌دانند که ربطی به هستی‌شناسی<sup>۵۶</sup> و عالم اعیان ندارد.

جان هاسپرس در کتاب مدخلی بر تحلیل فلسفی<sup>۵۷</sup> فصلی را به بحث از ضرورت اختصاص داده است. (Hospers, 1997:132-151) وی مدعی است واژه «ضرورت» می‌تواند به یکی از سه معنای زیر به کار برده شود که البته هیچ‌کدام ربطی به عالم اعیان ندارد:

۱) «ضرورت» به معنای گزاره‌ای امری یا انشایی؛ مانند «عدالت ضروری است» یا «باید عدالت را برقرار کرد.»

۲) «ضرورت» به معنای منطقی که به طور معمول بین مقدمات استدلال و نتیجه برقرار می‌شود؛ مانند «سقراط انسان است و هر انسانی می‌میرد، پس باید چنین باشد که سقراط می‌میرد.»

۳) «ضرورت» به معنای بیان شرط لازم یک پدیده یا رخداد؛ مانند این که گفته می‌شود «برای حیات موجودات زنده ضروری است که اکسیژن موجود باشد.»

علیرغم تأکید هاسپرس، به نظر می‌رسد نوع سوم ضرورت در واقع به وجهی از وجوه هستی‌شناسانه پدیده‌ها برگردد. در هر صورت، نکته مهم این است که براساس تحلیل فوق بدانیم ضرورت علی، کدام گونه از انواع ضرورت است. در واقع، هاسپرس مدعی است که اولاً، ضرورت علی چیزی خارج از سه گونه ذکر شده برای ضرورت نیست. ثانیاً، نباید ضرورت علی را با ضرورت امری و انشایی و یا اخلاقی یکی گرفت، چون ضرورت علی به‌طور معمول به پدیده‌های طبیعی اسناد داده می‌شود که موضوع امر و نهی و توصیه اخلاقی نیستند.

سوم این که نباید گمان کرد که ضرورت علی از سنخ ضرورت منطقی است؛ چون مصادیق ضرورت منطقی همواره به صورت مقدم بر تجربه و به نحو پیشینی<sup>۵۸</sup> معلوم‌اند، درحالی که مصادیق ضرورت علی همواره مؤخر بر تجربه و به نحو پسینی<sup>۵۹</sup> شناخته می‌شوند.

با توجه به این نکات، هاسپرس معتقد است تنها تحلیل درست برای ضرورت علی، ارجاع آن به شرط لازم (مورد سوم) است. بنابراین، وقتی، به عنوان مثال، گفته می‌شود آتش و حرارت رابطه ضروری علی دارند، در واقع چیزی جز این بیان نمی‌شود که برای ایجاد حرارت، وجود آتش لازم است؛ به عبارت دیگر، این گفته به این معنا نیست که با بودن آتش، ضرورتاً حرارت هم موجود می‌شود، بلکه صرفاً بیان می‌کند که برای ایجاد حرارت، لازم است آتش وجود داشته باشد.

حال سؤال پیش‌رو این است که آیا دنت واقعیتی عینی برای ضرورت علی قائل است (با توجه به اعتقاد وی به حاکمیت جبر علی بر عالم) یا همانند برخی از فلاسفه تحلیلی، منکر عینی بودن ضرورت علی است (با توجه به مدعای او برای تمییز دادن جبر علی و اجتناب‌ناپذیری)؟ در صورت انکار، وی کدامیک از سه معنای مذکور برای ضرورت علی را مدنظر دارد؟ هرچند دنت به صراحت موضع خود را در این مورد بیان نکرده است، اما به نظر نمی‌رسد وی موضعی مخالف هاسپرس داشته باشد؛ به عبارت دیگر، وی نیز اعتقاد به ضرورت عینی علیت ندارد.

در هر حال، علیرغم دیدگاه‌های متفاوت فلاسفه در توضیح معنای ضرورت، به نظر می‌رسد فصل مشترک همه دیدگاه‌ها وفاق بر سر لوازم وجود ضرورت علی است. به نظر می‌رسد لازمه‌گریزناپذیر ضرورت علی این است که از هر علت معین، معلولی معین و مشخص صادر شود. در غیراین صورت، توضیح نظم علی حاکم بر جهان طبیعت و پیش‌بینی‌پذیری حوادث که مبنا و هدف علوم تجربی است، معضلی تقریباً غیرقابل حل خواهد بود.

اینک با در نظر گرفتن دیدگاه دنت مبنی بر تفکیک جبر (ضرورت) علی از اجتناب‌ناپذیری، دو حالت ممکن برای وجود ضرورت را که وی می‌تواند برگزیند، مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ نخست، اگر وی منکر ضرورت علی باشد، پس لازمه ضرورت را نیز نمی‌پذیرد. در این صورت، چنین نخواهد بود که از هر علت معین، معلولی معین و مشخص صادر شود؛ بلکه وقوع رخدادها به شانس و اتفاق ارجاع داده خواهند شد. در چنین جهان مشوشی، بحث از سازگارگرایی دیگر لغو خواهد بود، زیرا معضل سازگارگرایی چگونگی جمع بین ضرورت (جبر) علی و اراده آزاد است.

دوم، اگر دنت ضرورت (جبر) علی را بپذیرد، پس لازمه ضرورت علی را نیز پذیرفته است. در این صورت، از هر علت معین تنها یک معلول معین و مشخص صادر می‌شود؛ به عبارت دیگر، در صورت ایجاد معلول توسط علت، تنها یک آینده ممکن وجود خواهد داشت. در واقع، این، همان تعریف همدلانه‌ای است که دنت از ون اینویگن نقل می‌کند و پیشتر به آن اشاره کردیم. در چنین حالتی، ضرورت علی ملازم با اجتناب‌ناپذیری است. زیرا فرض ایجاد یک آینده معین از گذشته معین چیزی جز اجتناب‌ناپذیری یک نوع آینده نیست. در چنین جهانی، نقش اراده آزاد چیست و چگونه است؟ به نظر می‌رسد در این عالم، راه حل دنت برای ایجاد سازگاری بین جبر علی و اراده آزاد که مبتنی بر تمایز جبر علی از اجتناب‌ناپذیری است، دیگر کارساز نیست.

از نگاهی دیگر در نقد دیدگاه دنت، می‌توان گفت به نظر می‌رسد وی غافل است از اینکه امر طراحی، تنها در دو حالت امکان‌پذیر است؛ نخست، طراحی براساس اصول و قوانینی مشخص (تحت نظام جبری

علی) که در این صورت، طراحی با جبر علی سازگار است، اما دیگر اجتناب‌پذیری معنا نخواهد داشت. دوم، طراحی بر اساس شانس و اتفاق که این حالت با حاکمیت جبر علی (به عنوان پیش‌فرض او) ناسازگار است.

دنت در مقدمه نخست استدلال خود، مدعی است در بعضی عوالم جبری اجتناب‌کننده‌هایی وجود دارند که از آسیب و زیان، جلوگیری می‌کنند. در چنین عوالمی، یا اجتناب از وقوع یک رویداد، معلول علتی نیست، که در این صورت دنت منکر علتیت می‌شود. در حالت دوم، اجتناب‌پذیری، خود تابع اصل علتیت است. در این صورت، علتیت یا امر امکانی یا ضروری است. اگر دنت منکر ضرورت و جبر علی باشد، دیگر نیازی به صورت‌بندی استدلال برای توجیه سازگارگرایی ندارد، و در واقع آن چه را که می‌خواهد اثبات کند، پیش‌فرض گرفته است. اما اگر وی به ضرورت علی معتقد است، در این صورت، اجتناب‌پذیری، برخلاف ادعای وی، تابع و همراه جبر علی است. اجتناب‌پذیری، خود امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین، دنت نمی‌تواند با تفکیک ضرورت علی از اجتناب‌ناپذیری استدلال خود را پیش ببرد.

باز به بیانی دیگر، اگر طراحی در معنای نخست اتخاذ شود، همه رخدادها تحت روابط ضروری جبر علی بوده و در نتیجه، رویدادهای مغزی و اراده آزاد انسان نیز تحت همین روابط، ضروری و جبری خواهند بود؛ برخلاف آن چه دنت در پی اثبات آن است. از طرف دیگر، اگر طراحی در معنای دوم اتخاذ شود، حاکمیت جبر علی بر عالم (به عنوان پیش‌فرض دنت) زیر سؤال می‌رود و به تبع آن، سازگاری اراده آزاد و جبر علی امری بی‌معنا خواهد بود. ماحصل کلام این که به نظر می‌رسد دنت علیرغم صورت‌بندی برهانی بدیع بر مبنای تفسیری خاص از جبر علی برای حل مشکل اساسی سازگارگرایی، نه تنها در توضیح و توجیه بندهای پنجم و ششم برهان خود ناتوان است و در نتیجه استدلالی قابل پذیرش و کارآمد ارائه نمی‌کند، بلکه در ارائه پاسخی قانع‌کننده به برهان نتیجه که علیه سازگارگرایی اقامه شده نیز ناموفق است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان دادیم چگونه دنیل دنت با استناد به پیش‌فرض‌هایی چون طبیعت‌گرایی هستی‌شناسانه و روش‌شناسانه و هم‌چنین نظریه تحول، قصد دارد نشان دهد جبر علی حاکم بر عالم با اراده آزاد سازگار است. بر مبنای طبیعت‌گرایی هستی‌شناسانه (فیزیکالیسم)، هر پدیده‌ای در عالم یا فیزیکی یا در نهایت مبتنی بر امری فیزیکی است. بنا بر این دیدگاه، ذهن نیز چیزی جز یک پدیده طبیعی نیست. بر اساس چنین پیش‌فرض‌هایی، بندهای اول تا چهارم برهان دنت شکل می‌گیرند.

به منظور توضیح و توجیه مقدمات استدلال، دنت تفسیری از جبر علی بر اساس نظریه تحول و نحوه طراحی عالم ارائه می‌دهد تا بتواند سازگاری جبر علی با اراده آزاد را نشان دهد. وی جبر علی را ملازم با اجتناب‌ناپذیری نمی‌داند و بین آن دو فرق می‌گذارد. به زعم وی، انسان همانند میلیون‌ها ارگانیسم زنده

دیگر برای جلوگیری و اجتناب از خطرات به گونه‌ای توانمند طراحی شده است. این اجتناب‌پذیری نیز با حاکمیت جبر علی هیچ تناقضی ندارد. از این رو، حاکمیت جبر علی منجر به آینده و ماهیتی ثابت و متعین برای انسان نمی‌شود. اما در این مقاله نشان دادیم، علاوه بر سایر اشکالات، آنچه که استدلال دنت را ناکارآمد می‌کند، غفلت از معنای ضرورت علی و امر طراحی است. زیرا طراحی تنها در دو حالت امکان‌پذیر است؛ نخست، طراحی براساس اصول و قوانینی مشخص (تحت نظام علی) که در این صورت با جبر علی سازگار است. اما لازمه چنین حالتی این است که از یک گذشته معین و ثابت، تنها یک آینده معین و ثابت به دست خواهد آمد. روشن است که در چنین عالمی، دیگر اجتناب‌پذیری وجود نخواهد داشت. دوم، طراحی بر اساس شانس و اتفاق که این حالت، برخلاف پیش فرض دنت، نیز با حاکمیت جبر علی ناسازگار است. بعلاوه، آشکار است که در چنین عالمی مشکل سازگاری اصولاً محلی از اعراب نخواهد داشت. بنابراین، برهان دنت له دیدگاه سازگاری، رضایت‌بخش و کارآمد نیست. نکته آخر این که هرچند اراده آزاد با فیزیکالیسم بماهو فیزیکالیسم ناسازگار نیست، اما برای توجیه این سازگاری، فیزیکالیست‌ها باید به دنبال راه حل دیگری غیر از راه حل دنت باشند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Free Will
2. Causal Determinism
۳. مقصود از علیت، رابطه‌ای میان یک رویداد (علت) و رویدادی دوم (اثر یا معلول) است که در آن، رویداد دوم نتیجه رویداد نخست است. به عبارت دیگر، تحقق رویداد دوم، متوقف بر وجود رویداد اول است.
4. Incompatibilism
5. Compatibilism
6. Libertarianism
7. Desire
۸. از فلاسفه مشهور این مکتب، رید (Thomas Reid)، چیزلم (Roderick M. Chisholm)، تیلور (Richard Taylor)، کین (Robert Kane) و اکانر (Timothy O'Connor) هستند (Strawson, 2011: 2).
9. Hard Determinists
۱۰. از فلاسفه مشهور این مکتب می‌توان اسپینوزا، هندریچ (Ted Honderich) و پریستلی (Joseph Priestley) را نام برد (Strawson, 2011: 2).
۱۱. از فلاسفه مشهور سازگارگرا می‌توان به لاک، هیوم، استراوسون (P. F. Strawson)، فرانکفورت (Harry Frankfurt)، دنت (Daniel Dennett) اشاره کرد (Strawson, 2011: 2).
12. Soul

۱۳. Dualists؛ از فلاسفه مطرح با دیدگاه دوگانه‌انگاری می‌توان به افلاطون، ارسطو، دکارت و کریپکی (Saul Kripke) اشاره کرد.

۱۴. Naturalists؛ شایان ذکر است هرچند از نظر تاریخی دیدگاه طبیعت‌گرایی شامل طیف وسیعی از دیدگاه‌هاست، اما در ادبیات فلسفی امروز این دیدگاه غالباً با فیزیکیالیسم نوین به صورت معادل و مترادف در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله هم به پیروی از این سیره رایج، منظور از طبیعت‌گرایی، رویکرد فیزیکیالیستی آن است.

15. Daniel C. Dennett
16. Sam Harris
17. Dennett
18. Supervenience Physicalism
19. Naturalism Physicalism
20. Brain
21. Consciousness
22. Mental States

۲۳. Natural Sciences؛ علوم طبیعی علمی هستند که با استفاده از آزمایش و داده‌های کمی، پارامترهای موجود در رویدادهای طبیعی را اندازه می‌گیرند و قادر هستند که مفاهیمی منظم و دقیق ارائه دهند. هم‌چنین، علوم طبیعی در تقسیم‌بندی علوم معمولاً در مقابل علوم اجتماعی (Social science) قرار می‌گیرند (Jacob, 2009:1).

24. Ontological س
25. Methodological
26. Supernatural
27. Empiricism

۲۸. A Priori Knowledge؛ از روش‌های دیگر شناختی می‌توان شناخت ماتقدم را نام برد که مستقل از تجربه و مقدم بر آن برای انسان حاصل می‌شود.

29. Intentional States
30. Psychophysical
31. Giulio Giorelli
32. Evolution Theory
33. Fascist

۳۴. یکی از اهداف دنت برای تفسیر جدید جبر علی مخالفت با برهان نتیجه‌ای است. (The Consequence Argument) این برهان یکی از مهم‌ترین استدلال‌ها علیه سازگارگرایی (و طبیعتاً برهان دنت) و به نفع ناسازگارگرایی است که بر تمایزی اساسی میان گذشته و آینده، یعنی عدم تقارن آن دو، مبتنی است. به این صورت که رخداد‌های گذشته غیرقابل تغییر هستند، اما رخداد‌های آینده می‌توانند تغییر کنند. به عبارت دیگر، گذشته بسته است اما آینده باز است. صورت برهان به شرح زیر است:

(۱) اگر علی (در سفر زمان) به گذشته برود، می‌تواند از قتل لینکلن در سال ۱۸۶۵ جلوگیری کند.

(۲) اگر علی به گذشته برود و از قتل لینکلن جلوگیری کند، پس گزاره "لینکلن در سال ۱۸۶۵ به قتل رسید" کاذب است.

(۳) گزاره «لینکلن در سال ۱۸۶۵ به قتل رسید» صادق است.

(۴) یک گزاره نمی‌تواند هم صادق و هم کاذب باشد.

(۵) بنابراین، مقدمه اول کاذب است.

به عبارت دیگر، امکان سفر در زمان برای فاعل‌ها باعث می‌شود آنها اثراتی علی بر گذشته داشته باشند. اما گذشته ثابت و غیرقابل تغییر است. پس، بین تأثیر اراده آزاد بر حوادث گذشته، و آنچه در گذشته اتفاق افتاده و غیرقابل تغییر است، ناسازگاری وجود دارد. اما در مورد آینده چنین نیست. فاعل با اراده آزاد برای انجام فعل در آینده گزینه‌های مختلفی دارد که هر کدام از آنها مبتنی بر حوادث گذشته و قوانین طبیعت، ممکن هستند (Timpe, 2006: 10). در واقع، بر مبنای برهان نتیجه‌ای علیه تعریف جبر علی که بر اساس گذشته ثابت و قوانین طبیعت، تنها یک آینده ممکن را قابل تحقق می‌داند، باید این نتیجه حاصل شود که اگر جبر علی صادق باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند انتخابی آزاد درباره آینده خود داشته باشد. در صورتی که انتخاب آزاد فعل در آینده توسط انسان، امکان‌پذیر است. بنابراین، جبر علی با اراده آزاد سازگار نیست.

### 35. Atomic Theory

### 36. Macroscopic Events

۳۷. استفاده از ساده‌سازی‌ها و تشبیه نظریه‌های پیچیده به مدل‌های ساده برای فهم بهتر، در شاخه‌های مختلف علم نیز انجام شده است. در این راستا دنت به منظور ساده‌سازی هرچه بیشتر و بیان تفاوت دو سطح فیزیکی و طراحی عالم، از مدل بازی زندگی کانوی (Conway's Game of life) استفاده می‌کند. این مدل به عنوان طرحی ساده از جبر علی، در سال ۱۹۶۰ توسط کانوی، ریاضیدان بریتانیایی مطرح شد و توسعه یافت. بازی زندگی مشهورترین نمونه یک ماشین خودکار سلولی و یک بازی بدون بازیکن است؛ بدین معنا که تحولات و تغییرات آن تنها وابسته به وضعیت و شرایط آغازین آن است و نیازی به عامل ورودی انسانی در هیچ مرحله دیگری ندارد و روند بازی تنها بر اساس قوانینی مشخص ادامه می‌یابد (برای توضیح بیشتر نک به: Dennett, 2003: 38).

### 38. Necessity

### 39. Inevitable

### 40. Determined

### 41. Circumstances

۴۲. شایان ذکر است که به زعم دنت، یک ویژگی مهم نظریه تحول این است که طراحی عالم ناشی از جهل مطلق (Absolute Ignorance) است، نه این که ناشی از طراحی خالق آگاه و خیر مطلق باشد.

### 43. Self- Protective Design

### 44. Self- Reproduction

۴۵. برای مثال، در فرایند دائمی و اولیه انتخاب طبیعی، گاهی اوقات ژن‌های انگلی روی زنجیره

DNA قرار گرفته و موجب نسخه‌برداری و تولید معکوس DNA می‌شوند. این ژن‌های انگلی همانطور که از نامشان مشخص است، هیچ کمکی به بهبود شکل زندگی DNA نمی‌کنند، بلکه به عنوان یک پارازیت برای DNA ها زیان‌آور بوده و تنها نسخه‌برداری از آن‌ها را انجام می‌دهند. (Dennett, 2003: 51) البته قسمت‌های سازنده‌ای در ژنوم‌ها به صورت واکنش‌هایی در مقابل پارازیت‌ها، از پیشرفت بیش از حد آنها و مشکلات به وجود آمده، جلوگیری و ممانعت می‌کنند.

#### 46. Noises

#### 47. Random Change

۴۸. برای مثال زمانی از ماهیت موج‌های جزر و مد دریا، آنفولانزاهای اپیدمیک و ... اطلاعاتی نداشتیم، اما امروزه می‌توانیم از بسیاری خطرات که این محدودیت‌ها برای انسان ایجاد می‌کردند، جلوگیری و اجتناب کنیم (Dennett, 2003: 54).

۴۹. هریس در معرفی اراده آزاد نسبت به دیدگاه سازگارگرایی و ناسازگارگرایی بی‌تفاوت است. وی در نقد سازگارگرایی معتقد است معانی ارائه شده از اراده آزاد تاکنون نتیجه عدم توجه کردن به خودمان بوده است. او در کتاب خود، موسوم به اراده آزاد (Free Will)، می‌گوید لحظه‌ای که به خودمان توجه کنیم، تصمیمات، تمایلات و اراده آزادمان را می‌توانیم درک کنیم و این همان درون‌نگری (Introspection) است. هم‌چنین اراده آزاد از نظر هریس دو جنبه دینی و کیفری دارد که برای این دو منظور، انسان نیازمند فرض اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی است (Harris, 2012: 60).

۵۰. هریس (به‌منظور تحقیر دیدگاه دنت) پرسشی را به این صورت مطرح می‌کند که آیا انسان خودش سلول‌های خونی و آنزیم‌ها را در بدن خود تولید می‌کند؟ بدن انسان به صورت ناآگاهانه این کار را انجام می‌دهد، اما اگر انسان تصمیم بگیرد فعل دیگری غیر از تولید این آنزیم‌ها و سلول‌ها انجام دهد و دیگر سلول‌های خونی تولید نکند، او قربانی این تصمیم‌گیری است تا اینکه علت آن باشد (Harris, 2012: 67).

۵۱. سه عنصر اصلی علیت عبارتند از: علت، معلول، رابطه بین علت و معلول. این رابطه می‌تواند ضروری یا غیرضروری باشد. البته تاکنون تفاسیر و معانی گوناگونی از ضرورت ارائه شده است که در این نوشتار به اختصار دیدگاه تجربه‌گرایان (فیلسوفان تحلیلی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### 52. Analytic Philosophers

۵۳. دنت در این زمینه مطلبی را از هیوم نقل می‌کند: ما هیچ دلیل منطقی نداریم براین‌که آینده عالم می‌بایست ضرورتاً ادامه همین پدیده‌های کنونی در عالم باشد. برای مثال، هرچند تا امروز هر روز صبح خورشید طلوع کرده، اما منطقاً ممکن است فردا صبح، خورشید طلوع نکند. به عبارت دیگر، انتظارات روانشناسانه با امکانات منطقی دو موضوع و مطلب متفاوت هستند. یعنی اگر انتظار داریم که هر روز صبح برآمدن خورشید را مشاهده کنیم، نباید باعث شود که از نگاه منطقی، محدودیتی برای طلوع نکردن آفتاب ایجاد کنیم، بلکه از نظر منطقی امکان طلوع نکردن آفتاب وجود دارد (Dennett, 2003: 33)

#### 54. Objective

55. Epistemology
56. Ontology
57. An Introduction to Philosophical Analysis
58. A priori
59. A posteriori

### فهرست منابع

- Dennett, D. C. (2003). *Freedom Evolves*. New York: Penguin UK.
- Harris, S. (2012). *Free will*. New York: Simon and Schuster.
- Hospers, John. (1997). *An Introduction to Philosophical Analysis*. New York and London: Psychology Press.
- Jacob, Jan. (2009). *Naturalism*, in: <http://www.Iep.Utm.edu/Naturalism/>.
- Morris, William Edward and Brown, Charlotte R. (2014) David Hume, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2016 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL <<http://plato.stanford.edu/archives/spr2016/entries/hume/>>.
- Papineau, David. (2007). Naturalism, in: *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, available at: <http://Plato.Stanford.edu/entries/Naturalism/>.
- Strawson, Galen. (2011). Free Will, in: *E. Craig (Ed.), Routledge Encyclopedia of Philosophy*, avail. at: <http://www.rep.routledge.com>
- Timpe, Kevin. (2006). Free Will, in: <http://www.Iep.Utm.edu/FreeWill/>
- Van Inwagen, Peter. (1983). *An Essay on Free Will*. Oxford: Clarendon Press.